



تاکید بر علائم ظهور موجب خطای تطبیق در مسئله مهدویت شد

استاد دانشگاه ادیان و مذاهب با اشاره به روایات مهدویت بیان کرد: درباره شرایط و علائم ظهور باید گفت که تأکید بر علائم سبب شده است...

استاد دانشگاه ادیان و مذاهب با اشاره به روایات مهدویت بیان کرد: درباره شرایط و علائم ظهور باید گفت که تأکید بر علائم سبب شده است تا برخی در انطباق آن با دوران خود دچار خطا شوند و خود و برخی از افراد دیگر را منحرف کنند. کسانی مانند سیدین طاووس و مجلسی دچار این اشتباه شدند.

سیدرضی موسوی گیلانی مهدویت از مباحث پر دامنه و وسیع در بین موضوعات اسلامی است و می توان ابعاد مختلف آن را واکاوی کرد. بحث روایات و احادیث مرتبط با مهدویت و صحت و سقم آن، شرایط و علائم ظهور، ورود مستشرقان به عرصه مهدویت و کارکرد امام در دوران غیبت از جمله موضوعات مرتبط با این بحث است که خبرنگار ایکننا برای بررسی بیشتر این مباحث با سیدرضی موسوی گیلانی گفت و گو کرده است.

سیدرضی موسوی گیلانی، دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم است که از وی چندین مقاله و کتاب درباره مهدویت منتشر شده است که از جمله می توان به «راه کارهای توسعه فرهنگ مهدویت»، «اعتقاد به منجی» و «راهبردهای رسانه ای مهدویت در بستر جغرافیای فرهنگی سیاسی و مهدویت پژوهی از منظر سنت گرایان (با تکیه بر اندیشه سید حسین نصر)» اشاره کرد.

متن گفت و گو با او را در ادامه می خوانید؛

ایکننا - احادیث و روایات مرتبط با مهدویت را از نظر اعتبار و سند به چند دسته می توان تقسیم کرد و در نهایت چه تعداد معتبر و قابل استناد هستند؟

احادیث همواره در معرض ضعف و قوت هستند و در عرصه مهدویت هم احادیث کم نداریم و البته حدیثی که بتوان گفت موثق و یا صحیح است اندک است؛ در مورد شرایط ظهور و علائم ظهور هم باید گفت که تأکید بر علائم سبب شده است تا برخی در انطباق آن با دوران خود دچار خطا شوند و خود و برخی از افراد دیگر را منحرف کنند و حتی کسی چون سیدین طاووس هم که دوران زیست او همزمان با سقوط حکومت عباسیان بود، براساس روایتی که گفته است حضرت در زمانی خواهد آمد که حکومتی ساقط می شود و در آن دوره یک سیدی هست بر خودش تطبیق داده است. یا مرحوم مجلسی معتقد بود که ظهور در دوره شاه سلطان حسین در اواخر صفویه رخ خواهد داد. لذا نباید بر روی علائم تأکید کرد و اصلاً موضوعیتی ندارد ولی در مورد شرایط و آمادگی برای ظهور، گفته شده است که همیشه باید آمادگی برای ظهور حضرت داشته باشیم و این آمادگی هم انجام واجبات فردی و اجتماعی و ترک محرّمات است.

یکی از فلسفه ها و کارکردهای انتظار آن است که افراد خودشان را تربیت و تهذیب کنند چه حضرت در این دوره تشریف بیاورند و چه نیاورند و بحث علائم خیلی رهنز است و ناخودآگاه ممکن است باعث لغزش برخی افراد شود که ذکر کردیم. در روایات به شدت از تعیین وقت برای ظهور پرهیز شده و فرموده اند زمان برای آن تعیین نکنید.

ایکننا - نگاه مستشرقین به موضوع مهدویت چگونه است و آیا به طور جدی روی این موضوع کار کرده اند؟

مستشرقین در دانشگاه های غربی درباره موضوعات اسلامی کار می کنند کما اینکه ما هم در کشورهای اسلامی غرب شناسی را داریم و آثار و آراء کانت و سایر فلاسفه و اندیشمندان غربی را نقد و مطالعه می کنیم لذا برخی مانند کربن و ایزوتسو دغدغه کشف حقیقت را داشتند؛ برخی مانند ویلیام چتیک، گنون و ... هم شدیداً تحت تأثیر بودند و برخی مانند رنه گنون و حامد الگار، لینگز و خیلی از افراد دیگر مسلمان شدند زیرا دغدغه کشف حقیقت داشتند.

برخی هم مسئولیت سازمانی و اداری دارند و در حوزه ایران شناسی و اسلام کار می کنند. برخی دغدغه سیاسی و اهداف میسیونری دارند و وارد کشورهای اسلامی شده و به تحقیق پرداخته اند و برخی از این گروه هم تحت تأثیر فضای اسلام، مسلمان شدند ولی برخی هم تا انتها برای سازمان و اداره خودشان کار کردند؛ برخی هم تا آخر نسبت به شرق و تمدن شرقی هیچ اظهار موافقت نکردند و همیشه نگاه از بالا و منفی داشتند که از جمله این افراد کوندوبینو است که کتابی با عنوان سه سال در میان ایرانیان را نوشته است. او در دوره قاجار ترغیب کرد که کتب دکارت و مونتسکیو در ایران ترجمه شوند.

به هر حال تقسیم بندی های زیادی در مورد مستشرقان داریم و در دو قرن گذشته رشته شرق شناسی را در دانشگاه های غربی داریم و از جمله در مورد مهدویت و سایر موضوعات دینی هم به بحث و مطالعه پرداخته و کتبی هم نوشته اند؛ کربن و ریچاردسون، اتان کلبرگ، مادلونگ کتاب در مورد مهدویت و امامت نوشتند و برخی اهداف سیاسی داشتند و برخی هم به عنوان موضوعات تخصصی کار کردند.

ایکنا - به نظر می رسد منجی در همه ادیان مطرح باشد ولی سوال این است که منجی در ادیان دیگر چه ارتباطی با امام عصر(عج) شیعیان دارد یعنی آیا یکی هستند یا خیر؟

بحثی با عنوان نجات و همزیستی مسالمت آمیز و ... در تمامی ادیان ها وجود دارد و جزء دغدغه های وجودی همه انسان های روی زمین است؛ مفهوم منجی در متن و فضای ادیانی تبدیل به مصلح و موعود آخرالزمان می شود که در هر دینی هم با عنوانی او را خطاب می کنند، مثلا ماشیه در یهود، حضرت عیسی(ع) در مسیحیت و حضرت مهدی(عج) در اسلام و در ادیان هندو و بودا هم با عنوانی دیگر؛ لذا مفهوم نجات، مفهومی فرادینی است که در درون ادیان هم مصداق پیدا می کند و در تفکر شیعه مصداق آن حضرت مهدی(عج) است.

همه فرق اسلامی مصداق منجی را در بحث مهدویت می دانند چه اهل سنت که مهدویت نوعی را قائلند و معتقدند که هنوز حضرت مهدی به دنیا نیامده است و چه شیعه که معتقدند حضرت مهدی(عج) زنده و فرزند امام عسکری(ع) هستند و دوازدهمین امام از نسل و ذریه پیامبر(ص) هستند.

ایکنا - خیلی ها در جریان وقایع اخیر جهان اسلام می پرسند که چرا امام عصر(عج) برای نجات مردم و کودکان غزه کاری نمی کنند و چه ظلمی بالاتر از این باید اتفاق بیفتد تا حضرت ظهور کنند. چه پاسخی باید به آنها داد؟

این پرسش را می توانیم طور دیگری مطرح کنیم و بپرسیم چرا خود خدا این کار را نمی کند و خدا هر جا که ظلمی وجود دارد دخالت نکرده و ظالم را نابود نمی کند. خداوند جهانی را آفریده و این سنن هم باید تا قیامت پابرجا بمانند؛ جهان قواعدی دارد و خدا در عالم، سننی قرار داده است و اینطور نیست که تا مثلا تا پای ما به میخ و در و دیوار خورد بگویم چرا خدا از پیش این را از پای ما برنداشته است. خداوند این عالم را با این قواعد قرار داده تا انسان ها با اراده و اختیارشان راهی را انتخاب کنند.

در پاسخ به این پرسش هم همین قاعده حاکم است و می توان گفت خدا قرار نیست در هر جایی اقدام فوری بکند ولی یکسری سننی هم وجود دارد از جمله اینکه خداوند قطعا از کسانی که دین او را یاری کنند حمایت خواهد کرد یا در روایات داریم که؛ الملک یقی مع الکفر و لا یقی مع الظلم. هیچ حکومتی با ظلم نمی ماند ولی با کفر می ماند و خدا ظلم را از بین خواهد برد و در طول تاریخ هیچ ظالمی نبوده است که یک روزی به سزای خود نرسد؛ البته آنچه امروز در عالم ماده داریم بحث زمان است زیرا برای ما ۱۰ سال و ۲۰ سال خیلی زیاد و سخت است ولی به نظر نمی رسد خداوند هر کاری را فورا و طبق زمانبندی ما انجام دهد.

آنچه از متون مقدس و آیات و روایات برمی آید قرار نیست تا قیامت همین طور ظلم باشد و خدا هم کاری نکند بلکه خداوند بشارت داده است که سرانجام این جهان دست ظالمان نخواهد بود و مستضعفان بر جهان حکومت خواهند کرد.

ایکنا - آیا امکان انجام اقدامی به عنوان زمینه سازی کردن برای ظهور یا جلو انداختن زمان ظهور از سوی مردم ممکن است؟ ظهور رابطه علی و معلولی با اراده انسان ها دارد و اینطور نیست که خداوند عالم را سوری آفریده و قواعد و سنن را طوری برپا کرده است که ما انسان ها در تاریخ و سرنوشت تاریخ هیچ اثری نداشته باشیم؛ به نظر می رسد حتما تاثیر دارد زیرا مثلا قرار بود موسی(ع) مدتی طولانی از قوم خودش غایب باشد ولی آن ها دعا و طلب کردند و موسی زودتر برگشت؛ لذا به نظر می رسد خواهش و دعای جمعی در بحث ظهور هم مؤثر است؛ البته این سؤال، درون دینی است و براساس روایات، ممهodon للمهدی داریم که به معنای آن است که مردم می توانند زمینه ساز ظهور باشند و آن را تسریع کنند.

البته این به معنای آن نیست که خداوند سنت خود را معطل انسان ها بگذارد و طرح کلان الهی برای عالم این است که روزی باید بساط ظلم جمع شده و عدالت در همه عالم مستقر شود.

گفت و گو از علی فرج زاده